

همه راه ها به لندن ختم میشود! چرا و چگونه؟

« سنگها را بسته اند و سگ ها را رها! »



محمد امین فروتن

پیوسته به گذشته قسمت هشتم:

یک کشور با تخفیف به فروش می رسد!

برای یافتن درست و دقیق یا درک تحقیقاتی عالمانه از ظهور " جنبش موسوم به طالبان" در عصر جدید بویژه آنگاهی که مسأله محوری یا وابسته گی سیاسی این حرکت با شبکه خطر ناک استخباراتی کشور پاکستان ISI مورد ارزیابی قرار میگیرد باید به سرچشمه های نخستین و علل و اسباب و جریانات اولیه آن در تاریخ معاصر مراجعه کرد که افغانستان به هرحال با داشتن موقیعت سوق الجیشی در نیم قاره میان سرزمین های باستانی هند که بخشی از آن بنام پاکستان کنونی با افغانستان هم مرز است و از سوی شمال با جمهوری های تازه آزاد شده از یوغ کمونیزم روسی دارای ویژه گی های منحصر به فرد محسوب می شود. از آنجا که سیستم و نظام سیاسی حاکم در جامعه افغانی بر هرگونه برداشت مان از تاریخ بالخصوص در عرصه نهضت های اجتماعی و سیاسی تأثیر مستقیم داشته است و بسیاری اندیشه های سیاسی و فکر تغییر نظام سیاسی را منجمله « جنبش موسوم به طالبان» در بطن سیستم سیاسی حاکم بر جامعه عقب مانده افغانستان تولد یافته است اما این بدان معنی نیست که گفتمان بنیادگرای شریعتمدار که با اتکای مطلق، مکانیکی و دگم به منابع فقهی که احکام مسلم دینی را با ترور و خشونت در جامعه اعمال و تحکیم میبخشند در تحلیل های سیاسی کارشناسان از نظر انداخته شود. چنانچه بارهای از این قلم مطالعه فرموده اید تعارض آمیز بودن گفتمان طالبانیزم آنگاه به مشاهده میرسد که گفتمان مذکور به مثابه یک روش توجیه کننده سیاست ها و منافع استراتژی یک قدرت های بزرگ، بویژه شرکت های چند ملیتی سرمایه داری جهانی بصورت عمدی مورد استفاده قرار گیرند. هر چند هواداران گفتمان « طالبانیزم » برای انجام چنین مأموریتی که توجیه و جاده صاف کن منافع شرکت های نفتی و اسلحه سازی در افغانستان و عراق است با منطق و استدلالات فراوان مگر کاذبانه شبه دینی مجهز اند باید در چهارچوب های مبتنی بر مبانی معرفت شناسی تازه کشف شده ای اعتقادی که در نتیجه خرد متعهد جمعی و اجتهاد پویای اجتماعی پیرامون زندگی ما را احاطه کرده است با مقتضای شرائط تاریخی و فرهنگی ملتها بازنگاری و جراحی خفیف عمومی شوند. نباید فراموش کرد که اینگونه خانه تکانی و جراحی در عرصه دولت سازی و بنیانگذاری جامعه مدنی تابع نورم های خاصی اند که به میزان تکامل و پیشرفت هر جامعه حتی الامکان مکانیزم های تابع سازی جامعه باید از مکانیزم های اجبار آمیز یا همان شیوه عملی « گفتمان طالبانی» بسوی مکانیزم

های نرم افزاری و روشهای اجرایی گفتمان " انسان مدار " و " رحمانی " بصورت نظم پذیر و قاعده مند تغییر پیدا کنند .

روی همین دلیل است که دولتهای مدرن معاصر تلاش میکنند برای رسیدن به مقاصد مورد نظر شان و ایجاد نظم اجتماعی و برقراری قانون ، از روشهای خشونت آمیز مانند اعدام و مجازات های که جسم انسان را مستقیماً مورد آزار قرار می دهند پرهیز میکنند و حتی در یک گام بالاتر ، تلاش می شود که از اجبار ها و مجازات آزاردهنده روحی نیز اجتناب و پرهیز کنند .

چنانچه بار ها از این قلم خوانده اید این نوع برخورد مسیوق بر مبنای جرم شناسانه است که مجرم در جامعه بیمار است و هنجار شکنی و هرنوع انحراف از اصول پذیرفته شده مدنی در جامعه در واقع نوع بیماری است لهذا رفتار درمانگرایانه دولتها به تدریج جایگزین مجازات خشونت آمیز میشود.

این اصلی است که دولت های مدرن و مدعی دموکراسی و آزادی امروز حداقل در مقام بیان تعقیب میکنند . در دین مقدس اسلام البته مبتنی بر شناخت « رحمانی و انسان مدار » نیز جهت اصلی نگاه و جهان بینی به این سمت است .

« سنگها را بسته اند و سگ ها را رها ! »

چنانچه قبلاً گفتیم و نویشتیم آنچه که در افغانستان امروزی می گذرد گرچه در سطح نگاه عوامانه به و قانع و حوادث از دموکراسی ، آزادی بیان و بیش از یک دهه دست آورد های فرهنگی و اقتصادی نشأت می گیرند اما با مطالعه دقیق و یکایک این دست آورد ها به نتایج دیگری می رسیم که گویا چنین نبوده است و آنچه که بنام دموکراسی و آزادی بیان در جغرافیای کشور ما به مشاهده می رسند کالا های تاریخ گذشته ای اند که با مارک و نشان « دموکراسی ، عدالت و آزادی » پس از حادثه درد ناک یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده امریکا ، بر بالهای هواپیما های B52 و با یک مسیر غلط و محاسبه اشتباه آمیز استراتژیست های ائتلاف بین المللی ضد تروریسم پرتاب گردیده اند . زیرا به تصور کارشناسان و استراتژیست های گچ گرفته و متفکران قالب ریزی شده دنیای سرمایه داری همواره کمبود لبرال دموکراسی ، فقدان عدالت انوشیروانی و اسارت و برده گی ای که در جامعه آزادی و استقلال !! در جوامع شرقی منجمله افغانستان و عراق به مثابه مهمترین و اصلی ترین عوارض تروریسم و دهشت افگنی شناخته شده اند لهذا باید با سرازیر ساختن چند سیر معجون دموکراسی لیبرال توام با شعار های میان تهی آزادی خواهی و استقلال این نقیصه بصورت ضربتی تکافو یابد .

و اما در وهله دوم مسأله بحران در جامعه را باید از سوی دیگر دید . از سوی همین ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم که به قول معروف « **سنگها را بسته اند و سگ ها را رها !** » با این ادعا که مسأله دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ازوظائف اصلی « ارتش ملی افغانستان » است ! اما بنابر اظهارات بلند رتبه ترین مقامات نظامی منجمله حضور اعلیحضرت کرزی، افغانستان امادگی دفاع مستقلانه از خود را ندارد زیرا تاکنون با گذشت یازده سال و سرازیر شدن صد ها میلیارد دالر بنام بازسازی عمومی کشور به شمول تجهیز ارتش ملی افغانستان به اسلحه و مهمات جدید ، تشکیلات طویل و عریضی که بنام ارتش ملی افغانستان ارتزاق میشود و تعداد آن به صد ها هزار نفر میرسد ، از داشتن طیاره های چندین دهه قبل نظامی نیز بی بهره است ، وقتی حضور اعلیحضرت کرزی با

این صراحت و شفافیت ناتوانی مزمن خود را که به یک بیماری ناعلاج مبدل شده است توجیه کنند و در یک کنفرانس مطبوعاتی ای که پس از انجام مسافرت به ایالات متحده امریکا درباره مذاکرات حضور رئیس صاحب با آقای بارک اوباما Barack Obama. سخن می گفت در باره خریداری هواپیما ها از ایالات متحده امریکا چنین گفتند :

..... نن که مور فیصله وکرو چي د امریکي هغه بهتريني طياري شل داني پخپله راو نيسو، طبيعي ده چي امریکا هغه خپله بهترينه طياره مور ته مفته نه راکوي، هپچا نه ده راکري او نه يي بل چاته ورکوي. مور يي پخپله بايد واخلو. آیا دا د افغانستان لپاره ممکنه وي چي د مکتب او معارف پیسی واخلو او شل داني پرمختللي امریکايي طياري پر باندي راو نيسو چي بيا يي نه د سمبالولو توان لرو او نه هم د انجینری توان لرو او هلته به ورستی به هلته پرتي وي!!

هرچند این تکه ای از ارشادات حضور رئیس صاحب کرزی را در یکی از قسمت های قبلی همین نوشتارم نیز به قید قلم در آورده ام مگر باز هم با تمامی احترامی که به حضور رئیس صاحب دارم یکبار دیگر به ارتباط مفاهیمی ماسوا از آنچه که قبلاً به عرض رسانده ام توجه همه عزیزان را به روی دیگری از آن معطوف می دارم ، جناب کرزی صاحب در همین کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ یک سوال اساسی و بنیادیی **بهارت صابرخبرنگار** صدای امریکا که به پیشگاه ده ها خبرنگار و ژورنالیست های مطبوعات مختلف مطرح ساخته بود و متن پاسخ جلالتمآب کرزی نیز فوقاً بصورت مختصر ارائه گردید شنوینده ای راکه به زیارت ارگ شریف نائل آمده است با مفاهیم گوناگون و سنگینی سروکار پیدا می کند و هیچ تحلیلگر و آگاه منصفی نه میتواند به آسانی و ساده گی از آن عبور کند. زیرا به قول رئیس صاحب کرزی افغانستان دارای یک اقتصاد ضعیف است و نه باید مصارف و هزینه های اضافی ای که در جمله مصارف لوکس جامعه به حساب می آیند براین اقتصاد ضعیف تحمیل کرد و از آن باید با جدیت فراوان پرهیز کرد وقتی جناب کرزی میخواهد این مفهوم شبهه صرفه جوئی را می خواهد به وجدان عمومی تبدیل کند به یک مغالطه اساسی رومی آورد و می فرمائید که نه باید پول معارف و ساختن مکاتب را به خریداری چند پروند طیاره "هواپیماهای" جدید اختصاص داد !!

در این مورد شرح نکاتی چند ضروری است

آنها که چشمان خود را با دودست می بندند و در اوج ذهن استخاره ای و تریاک زده به خود تلقین می کنند که افغانستان دارای یک حاکمیت مشروع و برخاسته از اراده مردم این سرزمین است که طی هزاران سال با داشتن نهاد مستقلی بنام « دولت مشروع افغانستان » وجود داشته است و به قول شاعر **« ثبت است بر جریده عالم دوام ما ! »** لزوماً زمامداران در جامعه ما حق خواهند داشت بگویند که چگونه و به اساس کدامین نگاه باید مردم یک جامعه را رهبری کرد ؟ اما پارادکسی که در حال حاضر به آن مواجه هستیم این است که فرد ، فردی از فرزندان این سرزمین به چشم سرمی بینند و با گوش می شنوند که چگونه معنویت و فضیلت های ناب « نوکر پول و ثروت » شده اند ؟

و چه کسی نه میداند که بودجه همین معارف و آموزش و پرورش را که از نظر جناب کرزی صاحب پول آنرا نباید با مصارف عاطل و باطل اضافی به مصرف رساند !! همان پول های به باد آورده ای

است که طی یازده سال تمام بصورت صدقات از مالیه دهنده گان کشور های جهانی شامل در ائتلاف ضد تروریزم جمع آوری شده و بنام هزینه های چندین میلیون دانش آموز و شاگرد بینوای افغان با هزاران ترفند در راه اشباع غرائز شیطانی برخی از مفتخواران حوزه معارف هزینه می گردد

[ادامه دارد](#)